

## مقاصد تشریح سهم «تألیف قلوب» به مثابه قدرت نرم حکومت اسلامی

احسان نظری<sup>۱</sup>، جواد ابروانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴

### چکیده:

«سهم تألیف قلوب» که در آیه ۶۰ سوره توبه به آن تصریح شده است، همچون دیگر دستورات الهی دارای اهداف و حکمت‌هایی است که بررسی آن راهگشای حل بسیاری از موضوعات اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظام و جامعه اسلامی است و قدرت نرمی برای حکومت اسلامی در راستای پیشبرد اهداف آن به جهت تأمین مصالح و منافع امت اسلامی به‌شمار می‌رود. در این مقاله به روش تحلیلی توصیفی و به استناد منابع کتابخانه با بهره‌گیری از روایات و نظریات مفسران و فقیهان جهان اسلام به بررسی حکمت‌ها و اهداف این حکم پرداخته شده است. از نگاه آنان، اهداف و حکمت‌های تشریح سهم تألیف قلوب عبارتند از: متمایل کردن دل‌ها به اسلام، تثبیت مسلمانان ضعیف‌العقیده، متمایل کردن مرز نشینان برای دفع دشمنان و جلب حمایت افراد و گروه‌های مختلف در راستای منافع دینی و ملی. از سوی دیگر، تردیدی نیست که تطمیع مالی برای دیندار کردن مردم، نمی‌تواند مورد تأیید اسلام باشد. از این رو، اهداف مذکور بایستی بازگشت به دو مورد داشته باشد تا شبهه پرداخت مال به هدف تطمیع مطرح نگردد؛ نخست جلب محبت به نفع اسلام و مسلمانان، و دوم: «ایجاد زمینه روحی» برای گرایش به اسلام.

**واژگان اصلی:** تألیف قلوب، مقاصد شریعت، زکات، قدرت نرم.

۱. دانشجوی دکترا علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

ehsan.nazari1375@yahoo.com

۲. استاد و عضو هیئت علمی علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

## مقدمه

«سهم تألیف قلوب» که در آیه ۶۰ سوره توبه به آن تصریح شده است، همچون دیگر دستورات الهی دارای مقاصدی است که بررسی آن راهگشای حل بسیاری از موضوعات اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نظام و جامعه اسلامی است و قدرتی نرم برای پیشبرد اهداف آن به‌شمار می‌رود. و همین امر ضرورت این بحث را مشخص می‌سازد. این در حالی است که برخی از معاندان در صدد هستند که تشریح این سهم را تطمیع مالی افراد برای دیندار کردن آنان معرفی کنند. (سها، بی تا: ۳۸۸)

این مقاله به روش تحلیلی توصیفی و به استناد منابع کتابخانه‌ای، در صدد پاسخ به این پرسش است که اهداف و حکمت‌های تشریح سهم تألیف قلوب به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم اسلام و حکومت اسلامی چیست؟ و موارد یادشده توسط فقیهان و محققان و برگرفته از روایات، چگونه باید تحلیل شود تا شبهه تطمیع مالی به هدف دیندار کردن مردم مطرح نگردد؟

در خصوص سهم «تألیف قلوب» مقالاتی نگاشته شده است اما بیشتر به ابعاد فقهی متداول آن و برخی موضوعات سیاسی توجه شده و از مقاصد تشریح این سهم - که یکی از مهم ترین ابزارهای قدرت نرم اسلامی و حکومت اسلامی است - غفلت گردیده است، که وجه تمایز این مقاله در همین امر است.

برخی از این مقالات عبارتند از:

۱- قاعده تالیف قلوب به مثابه قدرت هوشمند در روابط بین الملل. (دانش و نوروزی). در این مقاله نویسندگان تنها به بررسی بازتاب سهم تألیف قلوب در روابط بین الملل پرداخته‌اند و سایر جنبه های آن را مورد بررسی قرار نداده‌اند.

۲- قاعده فقهی «تالیف قلوب» به مثابه راهبرد توسعه گردشگری حلال. (ادبی و روح بخش). در این مقاله نیز صرفاً به بررسی ایده بهره گیری از قاعده «تألیف قلوب» برای توسعه گردشگری حلال با ارائه مجوز فقهی ورود اهل کتاب به مساجد و اماکن مقدس اسلامی پرداخته شده است.

۳- سهم تألیف قلوب، تدبیر دینی، توجیه عقلانی. (ایروانی). در این مقاله بیشتر به بررسی مبانی فقهی سهم تألیف قلوب پرداخته شده و همچنین اثبات گردیده است که از سهم «فی سبیل الله» و انفال نیز می‌توان برای سهم «تألیف قلوب» استفاده کرد.

۴- ارزیابی قابلیت اجرای نظریه «مسئولیت حمایت» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مبانی فقهی «تالیف قلوب». (کشتگر و صدری ارحامی). در این مقاله به نظریه «مسئولیت حمایت» از افراد تحت ظلم پرداخته شده است که یکی از مقاصد تشریح این سهم به

شمار می‌رود و به دیگر مقاصد این سهم پرداخته نشده است.

۵- گونه‌های «تالیف قلوب» مخالفان در سیره پیامبر اکرم (ص)، (قزی). در این تحقیق به گونه‌های تالیف قلوب پیامبر (ص) پرداخته شده است و مقاصد تشریح این سهم مورد بررسی قرار نگرفته است.

۶- مبانی قرآنی رابطه امنیت و دیپلماسی در فقه سیاسی با روی کرد به قاعده «امان، تالیف قلوب و الزام». (رحمان). در این مقاله نیز به بررسی یکی از مقاصد این سهم پرداخته شده است.

۷- اصل تالیف قلوب؛ مبانی فقهی و نقش آن در قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. (خزایی، سیفی و لیالی). بخش زیادی از این مقاله به بررسی مبانی سهم تالیف قلوب پرداخته است و سپس در سه محور به ابزار های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی این سهم می‌پردازد. اما در این مقاله نیز به مقاصد تشریح این سهم پرداخته نشده است و همچنین ب شبهه تطمیع مالی انگاری این سهم پاسخ داده نشده است.

## ۱- مفهوم شناسی

### ۱-۱- قدرت نرم

رواج گفتمان نرم در مطالعات سیاسی و امنیتی در دهه پایانی قرن بیستم، به مثابه گشایش افق جدیدی در فهم و تبیین مسائل راهبردی، به ویژه در مطالعات بین الملل بود و به اندیشمندان کمک نمود علل افول و برآمدن قدرت های بین المللی را در افقی نوین فهم نموده و توضیح دهند. (قنبری، ۱۳۹۴: ۱۷)

مفهوم قدرت نرم برای اولین بار توسط «جوزف نای»، پژوهشگر آمریکایی مورد استفاده قرار گرفت. (ضابط پور؛ قری، ۱۳۹۰: ش ۵۳/ ۹۳) از منظر وی، قدرت؛ توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب است. در مواجهه با افراد به سه روش می‌توان برای تأثیر گذاشتن بر آنان عمل نمود: تهدید یا اجبار، تشویق و تطمیع، و جاذبه ای که سبب پذیرش خواسته شما توسط افراد شود. (نای؛ فاطمی نژاد، ۱۳۸۸: ش ۲۴ ۱۸۶؛ حدیدی، ۱۳۹۹: ۱۸۴) این اظهار نظر، هاستگاه این مفهوم را به عنوان یک ابزار تحلیلی، و توسعه تدریجی آن را به عنوان یک مفهوم ابزاری مورد استفاده بازگو می‌کند. (رئیس؛ نصراللهی کاسمانی و خیامی، ۱۴۰۱: ۵۱)

به عبارت دیگر قدرت نرم توانایی نفوذ و تأثیرگذاری بر افکار، اندیشه ها و اذهان با هدف

تحمیل خواست و اراده از طریق جلب نظر و متقاعد ساختن ملت و دولت هدف بدون استفاده از فشار فیزیکی است. (مهرنیا، ۱۳۹۹: ۳۹۱)

در حقیقت قدرت نرم همان جاذبه ای است که جایگزین تهدید و تطمیع می‌شود چه در این هنگام فرد آزادانه و بدون اجبار آن چیزی را که خواسته شما هست برگزیده است.

آنچه از محتوای سخنان اندیشمندان در توضیح این واژه برمی‌آید این است که قدرت نرم محصول و برآیند تصویر سازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیر گذاری غیر مستقیم توأم با رضا بر دیگران، اراده دیگران را تابع خویش ساختن و مولفه هایی از این سنخ است. (رفیع: قری، ۱۳۸۹: ش ۱۲۱/۴۷)

بنابراین قدرت نرم به معنای توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران است که بر روی ذهنیت ها سرمایه گذاری می‌کند و از جنس اقتناع و ایجاد جذابیت بر روی دیگران است که آن ها با میل و اراده خود به دنبال کشور برخوردار از قدرت نرم بروند نه با استفاده از قدرت زور و پول که در زمره قدرت سخت محسوب می‌شوند. از همین روی قدرت نرم، نوعی رفتار همراه با جذابیت قابل رؤیت و غیر محسوس است (قنبری، ۱۳۹۴: ۱۸)

## ۲-۱- تألیف قلوب

«تألیف قلوب» ترکیبی از دو واژه تألیف و قلوب است. در لغت «تألیف» به معنای «به هم آمدن دو یا چند چیز»، «سازگار کردن»، «جمع کردن بین دو چیز پس از جدایی» و «انضمام و ترکیب دو چیز با یکدیگر» به گونه ای که یکی به حساب آید» آمده است. (ازهری، ۱۴۲۱: ۲۷۲/۱۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۹؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۲/۹۰)

«قلوب» که مفرد آن قلب است، در لغت به معنای دگرگونی و وارونه است و از آن جهت به عضو پنبه بدن انسان و حیوان، قلب گفته اند که وارونه قرار گرفته است و یا دگرگونی در آن بسیار است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵/۱۷۱)

ترکیب «تألیف قلوب» به معنای اجتماع بر محبت است، زیرا ریشه آن، الفت؛ به معنای اجتماع بر موافقت در محبت است. بنابراین جایز نیست که این ترکیب درباره اجتماع بر دشمنی بکار گرفته شود. (طوسی، بی تا: ۵/۱۵۱) این ترکیب در سه جای قرآن به چشم می‌خورد: «...إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (آل عمران/ ۱۰۳) «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ» (انفال/ ۶۳) «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ

قُلُوبَهُمْ» (توبه/۶۰)

در خصوص مفهوم اصطلاحی و فقهی «مولفه قلوبهم»، تعاریف متعددی ذکر شده است. به طور کلی؛ «افرادی هستند که به آنان سهمی از زکات پرداخت می‌شود تا به اسلام گرایش پیدا کنند یا در اسلام خود ثابت بمانند یا مسلمانان از شر آنان در امان بمانند یا امید رود که از مسلمانان پشتیبانی کنند و یا در منازعات به مسلمانان یاری رسانند.» (الغفلی، ۱۴۳۰: ۳۸۹-۳۹۱)

## ۲- ویژگی‌های قدرت نرم

قدرت نرم دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر قدرت‌ها متمایز می‌سازد، در ذیل به بیان برخی از این ویژگی‌های می‌پردازیم. (رک. ضابط پور؛ قری، ۱۳۹۰: ۵۳/۹۴-۹۵)

یک) قدرت نرم، یک رابطه است. قدرت نرم، یک منظومه واحد متشکل از اجزاء مرتبط و متقابل است که هر مقدار روابط میان این اجزاء بیشتر باشد و بهتر به نقش خود عمل کنند، قدرت نرم بیشتری تولید می‌شود.

دو) قدرت نرم بر نوعی از ذهنیت‌ها استوار است. برخلاف قدرت سخت که بر عینیت‌ها استوار می‌باشد. در واقع اطاعت از دیگران (دارندگان قدرت نرم) بر اساس باورها و اعتقادات و به میزان اعتبار و شهرت انجام می‌شود.

سه) قدرت نرم از جنس اقتناع است و دیگران را به تبعیت از هنجارها و نهاد‌های مورد نظر و یا موافقت با آنها قانع می‌کند. برخلاف قدرت سخت که با تهدید و اجبار سعی بر همراه کردن دیگران دارد.

چهار) نتایج قدرت نرم دیر بازده است و گاهی باید سالیان متمادی به کار گرفته شود تا به ثمر رسد بر خلاف قدرت سخت که به محض استفاده در جغرافیای به اعمال شده با تأثیرات کوتاه مدت نیز همراه هست.

پنج) قدرت نرم از جنس کار فرهنگی است و بر حوزه فرهنگی بیش از سایر ابعاد مدنظر تأثیرگذار است.

شش) در صورتی که قدرت نرم تأثیر خود را به صورت کامل بگذارد نه تنها تأثیرات مادی به همراه دارد، بلکه در زمینه‌های معنوی نیز موثر بوده و قابلیت ایجاد تغییر در این بُعد را دارد.

هفت) پیچیدگی قدرت نرم به لحاظ طولانی بودن مدت اثر آن از خصایصی است که این نوع

قدرت یا تهدید را بسیار متمایز می‌سازد.

هشت) هدف در قدرت نرم تأثیر گذاری بر انتخاب‌ها و فرایند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری طرف مقابل در عرصه‌های مختلف است اما هدف در قدرت سخت؛ تخریب و حذف فیزیکی حریف و همچنین تصرف و اشغال سرزمین است

### ۳- معیار و قاعده کلی در اختصاص سهم «تألیف قلوب»

با توجه به روایات و آراء مفسران و فقهاء، معیار اختصاصی تألیف قلوب «هر آن چیزی است که ترغیب به آن موجب شوکت و عظمت اسلام می‌شود.» (عراقی، ۱۴۱۴: ۱۲/۳) محقق حلی پس از بیان تعدادی از مصادیق (مؤلفه قلوبهم) در اظهار نظری می‌گوید: «من اشکالی به این موارد ندارم، زیرا همه این موارد براساس مصلحت کشور اسلامی است و تشخیص مصلحت به امام و حاکم واگذار شده است.» (حلی، ۱۴۰۷: ۵۷۳/۲) واحدی نیز در صورتی پرداخت این سهم به غیر مسلمانان را جایز می‌داند، که امام جامعه اسلامی، بنابر مصالحی که نفعش به مسلمانان برگردد آن را پرداخت نماید. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۸۶/۱۶) برخی از علماء نیز گفته‌اند که خداوند زکات را به دو منظور قرار داده است؛ یکی اینکه مانع از جدایی افراد از اسلام شود و دوم اینکه باعث تقویت و عزت اسلام شود. (راوندی، ۱۴۰۵: ۲۲۵/۱) یعنی می‌توان از سهم (مؤلفه قلوبهم) به عنوان یکی از مصارف زکات در هر امری که موجب به برآورده شدن یکی از این دو هدف باشد استفاده کرد، و همه کسانی را که با اعطاء مالی به آنان، تشویق می‌شوند و نفعی به اسلام و مسلمین می‌رسانند را شامل می‌شود و دلیلی بر تخصیص آن وجود ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰/۸؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۳/۱۷۶)

بر این اساس، باید گفت که مصادیق (مؤلفه قلوبهم) براساس مصالح و مفاسدی که حاکم تشخیص می‌دهد، قابل تغییر است. چه بسا گذشت زمان مصادیق جدیدی ایجاد کند که در گذشته تصور وجود آنها نمی‌شده یا مصادیق گذشته را از عنوان (مؤلفه قلوبهم) خارج سازد. (شریعتی، ۱۳۹۳: ۳۱۳) چنانکه آیت الله جوادی آملی پس از ذکر مصادیقی می‌گوید: «معیار کلی آن است که اگر کسی با دریافت بودجه‌ای از حکومت اسلامی شرش از مرزها کم می‌شود، یا خیرش به مرزداران می‌رسد، یا خیرش به اسلام و مسلمانان در داخل مرز می‌رسد، می‌توان از سهم (المؤلفه قلوبهم) به آنها داد.» (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳۴/۲۹۵)

بنابراین، معیار و قاعده کلی سهم (مؤلفه قلوبهم) آن است که بواسطه‌ی این سهم، کشور اسلامی

عزتمند و تقویت شود، شر دشمنان از مسلمانان داخل و خارج از مرزهای اسلام برطرف شود و زمینه همسویی و همدلی با کفار غیر حربی بوجود آید که تشخیص آن نیز بر عهده امام جامعه است. اکنون با توجه به معیار مذکور، ابتدا مقاصد تشریح سهم تألیف قلوب را که در سخنان مفسران، فقیهان و محققان آمده است به همراه شواهد قرآنی و حدیثی آن‌ها مرور و بررسی می‌کنیم و سپس، به بیان شبهه‌ای اساسی در تشریح این حکم و پاسخ به آن می‌پردازیم:

#### ۴- مقاصد تشریح سهم «تألیف قلوب»

۱،۴- متمایل کردن دلها به اسلام

یکی از حکمت‌هایی که برای «سهم مولفه قلوبهم» ذکر شده است، متمایل کردن دلها به اسلام است. غالب مفسران (مولفه قلوبهم) را افرادی از اشراف عرب می‌دانند که رسول خدا (ص) به آنان مالی عطا می‌نمود، تا آنان و قومشان به سوی اسلام جذب شوند. (فراء، ۱۹۸۰: ۱/۴۴۳؛ طبرسی، بی‌تا: ۱/۱۳۲؛ همو، ۱۳۷۵: ۲/۵۵۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۲۸۳؛ طوسی، بی‌تا: ۵/۲۴۴؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۲۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱/۳۱۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳۴/۲۸۴)

در تأیید این هدف یا حکمت، شواهدی از روایات وجود دارد؛

رسول خدا در جنگ حنین به عیینة بن حصن و اقرع بن حابس شتران بسیاری داد که سعد بن ابی وقاص به پیامبر(ص) اعتراض نمود که: به آنان صد ها (شتر) می‌دهی و جعیل بن سراقه را بی نصیب می‌گذاری؟ و پیامبر(ص) در جواب فرمودند: سوگند به خدا یک جعیل بهتر است از آنکه زمین از نظایر عیینة و اقرع پر باشد. من از عیینة و اقرع دلجویی کردم تا اسلام آورند، ولی جعیل را به اسلام خودش حوالت دادم» (واقدی، ۱۴۰۹: ۳/۹۴۸) از ظاهر گفتار پیامبر(ص) بر می‌آید که عیینة و اقرع هنوز اسلام نیاورده بودند و پیامبر(ص) از این طریق خواست تا دل‌های آنان را نسبت به اسلام نرم کند. ولی چنانکه در ادامه گفته خواهد شد از ظاهر روایت کافی بر می‌آید که عیینة اسلام آورده بود و پیامبر(ص) برای تثبیت در دین به او مالی داده بود.

همچنین نقل شده است رسول خدا (ص) عیینة بن حصن، اقرع بن حابس، علقمه بن علاثة و طلحا از اهل مکه عطایی داد و به انصار فرمود: «ای گروه انصار، چرا بر سهم ناچیزی از دنیا افسوس می‌خورید که به وسیله‌ی آن گروهی را متمایل ساختم تا اسلام آورند و شما را به ایمان خودتان واگذار کردم!» (شریف الرضی، ۱۴۲۲: ۲۹۸؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۱۸/۲۵۵)

در روز فتح مکه، پیامبر (ص) به صفوان بن امیه امان داد. صفوان چهار ماه مهلت خواست تا در امر پیامبر تأمل کند و همراه حضرت به سوی حنین آمد. هنگامی که حضرت، عطایا را توزیع کرد، صفوان گفت: برای من چیست؟ پیامبر (ص) با اشاره به شتری فرمود: این از آن توست. صفوان گفت: به راستی این عطای کسی است که از فقر نمی‌هراسد. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۶/ ۴۷۶)

همچنین از صفوان بن امیه نقل شده است: «پیامبر منفورترین مردم نزد من بود تا اینکه آنقدر به من عطا نمود که محبوب‌ترین مردم نزد من شد» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵/ ۶۰)

از امام صادق (ع) نیز نقل شده است درباره مولفه قلوبهم نقل شده است: «آنان گروهی از رؤسای قبایل بودند که به اسلام متمایل می‌شدند، رسول خدا (ص) به آنان (اموالی) می‌بخشید تا آنان را متمایل سازد و این، در هر زمانی است که امام آن را لازم ببیند» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۶۹)

#### ۲، ۴- رفع استضعاف فکری و تثبیت در دین

حکمت دیگری که با توجه به روایات و سیره پیامبر(ص) برای تشریح سهم (مولفه قلوبهم) قابل برداشت است؛ رفع استضعاف فکری و تثبیت در دین است. از امام باقر (ع) نقل شده است: «هیچ زمانی (مولفه قلوبهم) بیشتر از امروز نبوده اند.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/ ۴۱۱) فیض کاشانی در توضیح کلام امام گفته است: این فرمایش امام به این دلیل است که دیانت بیشتر مسلمانان در هر زمانی بر دنیای آنان بنا گشته است که اگر از دنیا چیزی به آنان داده شد، نسبت به دین خشنود هستند و اگر از دنیا چیزی به آنان نرسید، نسبت به دین خشمگین می‌شوند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۴/ ۲۱۵)

شواهد روایی این مورد عبارتند از:

امام باقر (ع) می‌فرماید: «(مولفه قلوبهم) مردمی بودند که خدا را به یگانگی شناختند و از عبادت غیر خدا دست برداشته بودند، اما به شناخت اینکه محمد فرستاده خدا است، وارد نشده بودند (نرسیده بودند) و شیوه رسول خدا(ص) این بود که دل‌های آنان را بدست آورد و به آنان می‌فهماند تا بشناسند و بفهمند.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/ ۴۱۱؛ طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ۴/ ۵۰) در این روایت به صراحت ذکر شده است که (یکی از مصادیق مولفه قلوبهم) کسانی هستند که شرک و کفر را رها کرده اند اما هنوز به معرفت کامل دست نیافته اند لذا برای نرم و آماده شدن قلوب آنان برای پذیرش کامل اسلام، سهمی از زکات به آنان تعلق می‌گیرد.

زراره و محمد بن مسلم از امام صادق(ع) ذیل آیه ۶۰ سوره توبه در خصوص شرایط مستحقین زکات، نقل کرده اند: «...إِنَّمَا يُعْطَى مَنْ لَّا يَعْرِفُ لِرِعَابٍ فِي الدِّينِ فَيُثَبِّتَ عَلَيْهِ...» (همان: ۲، ۴۹۶؛



طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ۴/ ۴۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/ ۵) برخی از فقیهان از این روایت استفاده کرده اند که سهم (مولفه قلوبهم) تنها به کفار اختصاص پیدا می‌کند اما برخی دیگر معتقدند که مقصود روایت مذکور مسلمانان ضعیف العقیده ای هستند که ایمان به طور کامل در قلب آنان وارد نشده است و در توضیح روایت مذکور گفته اند: ایجاد رغبت اقتضای خروج از دین را ندارد بلکه دینداری همراه با ضعف و سستی را هم شامل می‌شود. مضاف بر اینکه فعل (یثبت) دلالت بر دخول در دین می‌کند. چرا که ثبوت فرع بر ایجاد است. (نراقی، ۱۴۱۵: ۹/ ۲۷۴)

در سیره پیامبر (ص) نیز پرداخت سهم (مولفه قلوبهم) به تازه مسلمانان، جهت تثبیت آنان در دین دیده می‌شود؛

در غزوه حنین رسول خدا (ص) رؤسای عرب از قریش و قبیله مضر را که تازه مسلمان شده بودند بیش از سایر مسلمانان با سابقه از غنائم بهره‌مند ساخت که از جمله آنان أبو سفیان بن حرب و عیینة بن حُصَیْنِ الْفَزَارِیُّ بودند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/ ۱۹۲).

در روایتی از امام باقر (ع) اسامی کسانی که پیامبر (ص) به آنان یکصد شتر در جهت «تالیف قلوب» اعطاء کرده بود، آمده است که از میان آن اسامی فقط صفوان بن امیه و اقرع بن حابس مشرک بودند و درباره مشرک بودن مابقی سخنی به میان نیامده است، بلکه درباره اسلام آوردن برخی همچون ابوسفیان و عیینه که در روایت از آنان نامبرده شده است، شواهدی وجود دارد که گفته شد. (قمی، ۱۳۳۳: ج ۱، ۲۹۹).

ابو سعید خدری نقل کرده است: «علی بن ابیطالب از یمن برای رسول خدا طلبایی با روکش خاکش فرستاد و رسول خدا آن را بین اقرع بن حابس الحنظلی و علقمة بن علاثة العامری و عیینة بن بدر الفزاری و زید الخیل الطائی، تقسیم نمود. که مهاجرین و انصار خطاب به پیامبر (ص) گفتند: آیا آن را بین بزرگان نجد تقسیم می‌کنی و ما را بی نصیب می‌گذاری؟ پیامبر (ص) فرمود: من تنها دل‌های آنان را متمایل می‌ساختم.» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۸۲۲/۶؛ بخاری، ۱۴۱۰: ۵/ ۳۳۰)

همچنین در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده است که پس از اعتراض اصحاب، خداوند سهم (مولفه قلوبهم) را واجب نمود. (عباشی، ۱۳۸۰: ج ۲، صص ۹۱-۹۲) و واضح است که اصحاب رسول خدا (ص) مسلمان بودند و پرداخت سهم (مولفه قلوبهم) به آنان از جهت ضعیف العقیده بودن و تثبیت آنان در دین بود.

### ۳،۴- متمایل کردن مرز نشینان برای دفع دشمنان

حکمت دیگری که با توجه به کلام برخی مفسران و فقهاء قابل ذکر است؛ متمایل کردن مرز نشینان برای دفع دشمنان است.

در زبان عربی، رابطه به معنای کمین کردن و رصد کردن و محافظت از مرزها در برابر تهاجم مشرکان است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱ / ۳۸) و به پاسداران مرزهای اسلامی از آن رو که همواره در مرزها برای حفاظت از سرزمین اسلامی آماده بودند «مرباط» گفته می‌شود. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۱ / ۵۶۰)

برخی به صراحت یکی از مصادیق (مولفه قلوبهم) را گروهی از مسلمانان می‌دانند که در مرزهای مشترک با سرزمین دشمنان زندگی می‌کنند و پرداخت زکات به آنان سبب دفاع آنان به هنگام هجوم دشمن می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۳۴ / ۲۹۵؛ زحیلی، بی‌تا: ۳ / ۱۹۵۵) صاحب جواهر نیز به نقل از تقیح شیخ مفید به واجب کفایی بودن حفاظت از مرزهای بلاد اسلامی در زمان غیبت امام معصوم فتوا داده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱ / ۳۸) و این وظیفه مهم بیش از همه بر عهده مردم مناطق مرزی است و آنان بیش از سایر مناطق در خطر هجوم دشمنان قرار دارند و ترغیب و تقویت آنان در حقیقت تقویت امنیت کشور اسلامی و مورد تأکید فقهاء بر اساس سهم (مولفه قلوبهم) است. (مغنیه، ۱۴۲۱: ۲ / ۸۲)

### ۴،۵- جلب حمایت افراد و گروه‌های مختلف در راستای منافع دینی و ملی

حمایت از افراد و گروه‌های مختلف در راستای جلب حمایت آنان از کشور اسلامی در مجامع بین‌المللی و همچنین دفاع آنان در هنگام بروز جنگ، یکی دیگر از حکمت‌ها و اهداف سهم تالیف قلوب است که دارای مصالح بسیاری برای کشور اسلامی است. حمایت از نهضت‌های آزادی بخش که هم جهت با سیاست های کشور اسلامی است، یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود. (رک: خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱ / ۹۱) زیرا دولت اسلامی با کمک های سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی به سازمان‌ها، احزاب و جنبش های آزادی بخش در سطح جهان می‌تواند نظر آنان را در حمایت از کشورهای اسلامی یا مسلمانان دیگر کشورها جلب کرده، بدین وسیله در حمایت از آنان کمک کند و غیرمسلمانان سایر کشورها را نیز مجذوب آیین اسلام نماید. (شریعتی، ۱۳۹۳: ۳۱۳)

بنابراین، این مورد را می‌توان در سه محور دسته بندی کرد، که هر سه مورد در جهت تأمین مصالح کشور اسلامی است: الف) کمک به کشور های قدرتمند غیر مسلمان، ب) کمک به کشور های ضعیف نگاهداشته شده ذی نفوذ، ج) حمایت از نهضت های آزادی بخش همسو

## الف) کمک به کشورهای قدرتمند غیر مسلمان

قرآن کریم در آیه ۸ سوره ممتحنه درباره کفاری که سر جنگ با مسلمانان ندارند می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» بنابراین، افراد غیر مسلمان به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: یک دسته افرادی هستند که با مسلمانان و بلاد اسلامی سر جنگ دارند و عداوت خود را در گفتار و عمل نشان داده اند که مسلمانان از هرگونه مراوده و ایجاد پیوند محبت و دوستی با آنان نهی شده‌اند و دسته دیگر، افرادی هستند که در عین کفر و شرک اما نسبت به مسلمانان عداوت نمی‌ورزند و با آن‌ها پیکار نمی‌کنند که نیکی کردن و اظهار محبت به این دسته بلا مانع است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴/۳۱-۳۲)

در اینجا لازم است متذکر شویم که تالیف قلوب پیامبر(ص) نسبت به مشرکان مکه پس از فتح مکه و پایان درگیری‌ها و پیکار آنان با مسلمانان و اخراج آنان از مکه بوده و منافاتی با نهی مذکور در آیه ندارد.

امروزه در بسیاری از کشور های غیر اسلامی، مسلمانان بسیاری در حال زندگی هستند که برخی از آنان در انجام مناسک دینی خود دارای آزادی نیستند، همچنین حکومت اسلامی برای پیشبرد اهداف سیاسی و بین‌المللی خود نیازمند همراهی کشور های مختلف است. دولت اسلامی در روابط خارجی خود می‌تواند، به منظور جلب و جذب برخی ملت‌ها و یا از میان برداشتن زمینه‌های خصومت و ایجاد زمینه‌های همسویی و همگرایی، از این ابزار اقتصادی بهره‌برد. (سجادی، ۱۳۷۹ ش ۱۱/۱۰۰) چنانکه بسیاری از فقیهان (عکبری، ۱۴۱۳: ۲۶۱؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۱۸۵؛ دیلمی، ۱۴۰۴: ۱۳۲؛ حلی، ۱۴۱۴: ۲۴۹/۵؛ طوسی (ب)، ۱۴۰۷: ۲۳۳/۴؛ حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۹/۱) و مفسران (طوسی، بی تا: ۲۴۴/۵؛ طبرسی، بی تا: ۱۳/۱۱؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۲۲۷/۱) یکی از مصادیق سهم (مولفه قلوبهم) راه اختصاص آن به غیر مسلمانان برای همراهی آنان در جهاد و دفاع از مسلمانان می‌دانند. همچنین از پرداخت این سهم به کفار در جهت دفع شر آنان و همفکرانشان سخن به میان آورده‌اند. (رضا، ۱۴۱۴: ۴۹۴/۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۵۹/۵) که هرگاه نیاز باشد باید از این طریق در جهت مصالح امت اسلامی و عزت بخشیدن به اسلام عمل شود. (حلی، ۱۴۱۴: ۲۵۰/۵)

یکی از زمینه‌های تالیف قلوب در کشور های غیر اسلامی، کمک به آنها در هنگام حوادث و بلایای طبیعی؛ مانند سیل و زلزله است که می‌توان از این طریق در کاستن خصومت‌ها و یا ایجاد زمینه برای بهبود زندگی مسلمانان در این مناطق استفاده کرد. البته باید توجه کرد که اینگونه کمک‌ها

باید در راستای منافع کشور اسلامی و به مقدار لازم صورت گیرد. (میرمحمدی؛ شریفی، ۱۳۹۵: ۷۹-۸۰)

بنابراین قاعده تالیف قلوب در خصوص کشور های غیر اسلامی با اهدافی همچون؛ استحکام بنیه دفاعی و امنیتی کشور با تألیف کشورهای مجاور برای جلوگیری از سوء استفاده قدرت ها از آنها علیه کشور اسلامی، حمایت سیاسی و نظامی آنها از کشور اسلامی در موقع جنگ، حمایت سیاسی از کشور در صحنه بین المللی، جلوگیری از ظلم و احجاف دولت ها نسبت به اقلیت های مسلمان ساکن در کشورشان و جلب نظر دولت های ذی نفوذ در صحنه بین المللی در مورد مسئله ای که مربوط به مسلمانان است، به کار گرفته می شود. (شریعتی، ۱۳۹۳: ۳۱۴)

قاعده تالیف قلوب نشان می دهد که در سیاست بین المللی دولت اسلامی، جذب قلوب و فتح ذهنیت ها در اولویت قرار دارد و دست آورد های کسب شده از این طریق، به مراتب عمیق تر و پایدارتر بوده و مصونیت آن ها از تهدیدات، بیش تر از دست آورد های حاصله از کاربست شیوه های سخت افزاری و نظامی است. (عشریه، ۱۳۹۸: ش ۵۶/۹۳)

#### ب) کمک به کشور های ضعیف نگاهداشته شده ذی نفوذ

یکی از مهم ترین وظایف و اهداف حکومت اسلامی، حمایت از مظلومان و محرومان است تا آنجا که امیرمومنان (ع) حکومتی را که منجر به احقاق حق مظلومان و جلوگیری از بیداد ظالمان نشود را بی ارزش تر از لنگ کفش کهنه می داند. (شریف الرضی، ۱۴۱۴: خطبه ۳۳) چنین دیدگاهی نسبت به حکومت و سیاست، این هدف را فراتر از محدوده جغرافیایی و مرزهای خاکی تعریف می کند که حتی محرومیت های ساکنین نواحی دیگر را نیز شامل می شود.

کمک به کشور های ضعیف و محروم، در عین اینکه وظیفه حکومت اسلامی است، منافی نیز برای حکومت اسلامی به دنبال دارد، چرا که امروزه جذب رسانه های تبلیغاتی و رأی دولت ها در مجامع بین المللی و همچنین هزینه کردن برای تبلیغ پیام اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چنانکه مسیحیت تبشیری با صرف میلیارد ها دلار توانسته است، جمعیت زیادی را در میان پیروان ادیان آسمانی به خود اختصاص دهد، در حالیکه برخلاف اسلام که اجازه می دهد از محل سهم (مولفه قلوبهم) در این راستا هزینه شود، در مسیحیت منبعی برای چنین هزینه ای در نظر گرفته نشده است. (قرضاوی، ۱۳۹۳: ۲/۶۰۹) به همین دلیل است که برخی، یکی از جهات مصرف سهم (مولفه قلوبهم) را در راستای جلب نظر زمامداران کشور های فقیر و اقوام مختلف می دانند که می توان با

اعطاء کمکهای مالی و یا هدایایی به آنان، قلوب آنان را نرم نمود. (زحیلی، بی تا: ۳/۲۰۰۸) چنانکه کشور های استعمارگر با سوءاستفاده از غفلت کشور های اسلامی، با نزدیک شدن و تالیف برخی از کشور های مسلمان، در صدد جلب کمک های آنان و یا حتی خارج کردن آنان از دایره اسلام و یا ایجاد اختلاف در میان کشور های اسلامی و از بین بردن وحدت امت اسلامی هستند. درحالیکه چنین کشورهایی برای هزینه کرد از محل این سهم در اولویت هستند. (رضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۹۵)

بنابراین حمایت از ملت های ضعیف نگاهداشته شده و محروم برای جلب حمایت های آنان در عرصه های بین الملل و یا جذب آنان و سایر ملت های همانند به سوی اسلام، یکی دیگر از حکمت ها و اهداف تشریح سهم (مولفه قلوبهم) به شمار می رود که با قاعده و معیار کلی ذکر شده در ابتدای بحث هماهنگ است و علاوه بر آن، برخی از مفسران و فقیهان نیز به آن تصریح نموده اند.

### ج) حمایت از نهضت های آزادی بخش همسو

قرآن کریم کمک خواستن را حق هر مظلومی می داند و به ظالمان نیز وعده عذاب داده است: «وَأَنْتَصِرُوا مَنْ بَعْدَ مَا ظَلَمْتُمْ وَمَا ظَلَمُوا أَلَدِينَ ظَلَمْتُمْ أَمْ مَتَّعْتُم مَّن لَّا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِمَا ظَلَمُوا أَلَدِينَ ظَلَمْتُمْ أَمْ لَكُمْ عَذَابٌ مُّبِينٌ» (شعراء/۲۲۷) و به سبب طلب یاری، نکوهشی بر آنان نیست «وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» (شوری/۴۱) دیگران نیز وظیفه یاری کردن دارند، چرا که یاری طلبیدن بدون یاری کردن لغو و بیهوده است، در حقیقت هم مظلوم موظف به مقاومت در برابر ظالم و فریاد بر آوردن است، و هم مؤمنان دیگر موظف به پاسخگویی او هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۰/۴۶۴) قرآن کریم همچنین، درباره آن دسته از مومنانی که به «دارالاسلام» هجرت نکرده اند فرموده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال/۷۲) این آیه ولایت را در میان مؤمنین مهاجر و انصار و میان مؤمنینی که مهاجرت نکردند نفی می کند، مگر ولایت نصرت، البته به شرطی که میان آنان و گروه متجاوز میثاقی نباشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/۱۴۲) بنابراین، حکومت اسلامی تنها در قبال مردم تحت حاکمیت خود مسئولیت ندارد، بلکه وظیفه دارد تا از تمامی امت اسلامی و حتی تمامی مستضعفان جهان دفاع نماید. چنانکه امروزه جریانات و نهضت هایی برای مقابله با مستکبران و ظالمان شکل گرفته است، که حکومت اسلامی وظیفه دارد تا از آنان حمایت نماید.

امام خمینی (ره) نیز در سخنان خود بر حمایت از نهضت های آزادی بخش همسو تأکید کرده

اند. (رک: خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، صص ۹۱-۹ و ج ۱۶، صص ۱۹۰-۱۹۱)

بنابراین، در اسلام یاری رساندن به نهضت‌های آزادی‌بخش برای مقابله با توطئه‌ها و نشر شریعت در زمین و جلوگیری از سیاست اسلام زدایی واجب شده است، و در این راه می‌توان هزینه‌هایی را که لازم است از بیت المال تحت عنوان تالیف قلوب مصرف کرد. (نک: لطفی، ۱۳۹۴: ش ۲/۳۰۳ (۱۳۳))

### آیا سهم «تالیف قلوب» قدرت نرم یا تطمیع مالی؟

اکنون باید به این مسأله بپردازیم که آیا استفاده از ابزار مالی - همچون سهمی از زکات - جهت متمایل ساختن افراد به اسلام، نوعی تطمیع مالی برای گسترش اسلام به شمار نمی‌رود؟ و آیا به‌کارگیری این‌گونه وسیله‌ها، با شعارهای مقدس و اهداف متعالی اسلام همخوانی دارد؟ عبارت «الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ» در آیه ۶۰ سوره توبه، از این جهت دلالتی ندارد و مشخص نفرموده که آیا «تالیف قلوب»، برای «متمایل کردن دل‌ها به اسلام» است یا «متمایل کردن دل‌ها به حکومت و جامعه اسلامی در راستای مصالح عمومی» یا غیر آن. بنابراین، نمی‌توان این مطلب را به قرآن نسبت داد که برای دیندار کردن افراد، از ابزار مالی مدد جسته است!

نظرات فقیهان نیز در این باره متفاوت است؛ پرداخت این سهم به کفار برای متمایل کردنشان به اسلام، یا به مسلمانان ضعیف الایمان برای تقویت ایمان آنان، یا به مرز نشینان و مانند آن‌ها برای آن که به نفع کشور اسلامی، با تعرض بیگانگان مقابله کنند.

از روایات پیش گفته اما ممکن است چنین برداشتی صورت گیرد، از جمله: «أَنَّمَا يُعْطَى مَنْ لَأَيِّعْرِفَ لِيَرِغَبَ فِي الدِّينِ فَيَثْبِتَ عَلَيْهِ ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۶/۳؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲/ ۴-۶؛ طوسی (ب)، ۱۴۰۷: ۴/ ۴۹) بسیاری از مفسران نیز تصریح کرده‌اند که یکی از موارد هزینه کرد سهم «الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ»، متمایل کردن افراد به اسلام آوردن و تقویت ایمان مسلمانان ضعیف الایمان است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۷۹/۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۱/۹؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۵/ ۴۳۷؛ مراغی، بی‌تا: ۱۴۳/۱۰؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۱۰/ ۲۵۹) و با پرداخت آن به اشراف مشرک، مسلمان شدن نظایر آنان - و پیروان و طرفدارانشان - انتظار خواهد رفت. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/ ۲۸۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۷۹/۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۵/ ۴۳۷)

از سوی دیگر، این مطلب از مسلمات اسلامی است که دینداری و عبادت، جز با انگیزه خالص الهی، هیچ سودی ندارد و ایمان یا عبادت فردی که برای نیل به مقاصد دنیوی و منافع نفسانی بدان گرایش پیدا کرده است، فاقد ارزش می‌باشد. مجموعه‌ای از آموزه‌های دینی بر این حقیقت دلالت

دارند. (حج/۱۱، هود/۱۶ و ۱۸، اسراء/۱۸، شوری/۲۰، بقره/۲۰۰، کهف/۱۱۰)

مجموعه این آیات به روشنی نشان می‌دهد کسی که قصد و اراده‌اش، صرفاً نیل به منافع مادی و دنیوی است و حتی دینداری و پرستش خدا را نیز در راستای منافع مادی خود انجام می‌دهد، ارزشی نزد خدا و بهره‌ای در قیامت ندارد و خسران اخروی را در پی خواهد داشت!

رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى فَمَنْ عَزَا ابْتِغَاءَ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ عَزَا يُرِيدُ عَرْضَ الدُّنْيَا أَوْ نَوَى عِقَالًا لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلاَّ مَا نَوَى» (عریضی، ۱۴۰۹ق: ص ۳۴۶) این روایت - برای نمونه - وجود انگیزه مادی از شرکت در جهاد را موجب بی‌ارزش شدن معنوی آن معرفی می‌کند. بنابراین، اصل دینداری و ایمان آوردن و انجام اعمال متناسب با آن به انگیزه مادی نیز به طریق اولی بی‌ثمر و فاقد ارزش است.

چنان‌که پیشتر اشاره گردید، آنچه از عبارت «الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ» برداشت می‌شود، صرفاً استفاده از ابزار مالی (سهمی از زکات) برای «ایجاد الفت بین دل‌ها» یا «ایجاد الفت دل‌ها با شیئی دیگر» است. اما این «شیئی دیگر» که الفت دل‌ها با آن مورد نظر می‌باشد چیست؟ ایمان قلبی؟ اسلام ظاهری؟ جامعه بشری و عموم انسان‌ها؟ فقیران و محرومان؟ مسلمانان؟ حکومت اسلامی؟ یا موردی دیگر؟

از بین این موارد، «ایمان قلبی» نمی‌تواند مقصود باشد؛ بدین معنا که ابزار مالی به‌خودی خود، نمی‌تواند عقیده کسی را عوض کند و برای مثال، فرد معتقد به الحاد را با ایمان سازد یا فرد معتقد به خدا را ملحد! ایمان قلبی به خدا و پیامبر (ص) یا هر اعتقاد قلبی دیگری، تابع مجموعه‌ای از عوامل تأثیرگذار و به ویژه دلایل اقناع‌کننده عقل و جهت‌دهنده به عواطف و احساسات است. فرد معتقد به یک اندیشه - به فرض این‌که واقعاً معتقد باشد - با هیچ تطمیع و تهدیدی عقیده خود را عوض نمی‌کند! «عقیده» از ریشه «عقد» به معنی «گره» بوده مفهوم آن را در خود جای داده است و فرد عقیده‌مند به اندیشه‌ای خاص، در گره و گرو آن اندیشه قرار دارد و امکان ندارد با دریافت سهمی از زکات! از عقیده خود بازگردد!

«اسلام ظاهری» نیز بی‌تردید نمی‌تواند مقصود باشد؛ چه، از یکسو با واژه «قلوب» در عبارت «الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ» سازگار نیست، و از سوی دیگر، ترویج اسلام ظاهری با ابزار مالی، در واقع نوعی «نفاق» پروری است که به هیچ روی با اهداف متعالی اسلامی سازگاری ندارد و آیات پرشماری به‌ویژه در سوره‌های نساء، توبه و منافقون، آن را رد می‌کند. اسلام ظاهری، صرفاً موضوع تعامل مسلمانی با فرد است و مسلمانان می‌توانند در مسائلی مانند ذبح شرعی و ازدواج، با فردی که به ظاهر مسلمان

است، تعامل کنند، اما هرگز جزء اهداف مبلغان و رسالت اولیای دینی نیست تا برای آن، سهمی از زکات را اختصاص دهند!

ایجاد الفت با «فقیران و مستضعفان» نیز نمی‌تواند مقصود باشد؛ چه، سهم «فقیر و مسکین و بدهکار» جداگانه و به صراحت در آیه ذکر شده است. چنان‌که «ایجاد الفت با عموم مردم» و «ایجاد الفت و محبت بین افراد» نیز شاهد و قرینه‌ای از آیه و روایات ندارد و فقیهان و مفسران نیز چنین چیزی را بیان نکرده‌اند.

براین اساس، چند احتمال در مقصود از «الْمَوْلَفَهُ قُلُوبُهُمْ» قابل توجه به نظر می‌رسد که موارد ذکر شده توسط فقیهان و مفسران و محققان، طبعاً بایستی بازگشت به این موارد داشته باشد:

یک. جلب محبت به نفع اسلام و جامعه اسلامی، اقدامی انجام دهند، خواه مسلمان باشند یا کافر؛ از جمله: مرز نشینانی که انگیزه دینی و مالی لازم را برای دفاع از مرزها در برابر تجاوز احتمالی دشمن ندارند و حکومت اسلامی می‌تواند با کمک مالی به آنان، چنین انگیزه‌ای را ایجاد کند، نیز حمایت مادی از کشورها، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی و نظامی در سرتاسر جهان، که می‌توانند در عرصه‌های بین‌المللی، یا در مناقشات منطقه‌ای به سود جامعه اسلامی اقدام کنند و منافع حاصل از اقدامات آنان، بیش از کمک‌های مالی حکومت اسلامی به آن‌هاست.

این نوع کمک‌ها، پیش از آن‌که مستند به نصوص دینی باشد، جنبه عقلایی دارد و از این رو، بسیاری از کشورهای دنیا برای حفظ منافع خود، دست به چنین اقداماتی می‌زنند و برای متمایل کردن حکومت‌ها، احزاب و گروه‌ها به سمت خود و بهره‌گیری سیاسی و حقوقی در سازمان ملل و داخل کشورهای هدف، و ائتلاف‌های نظامی در مناطق پر مناقشه، کمک‌های مالی فراوانی به صورت پیدا و پنهان می‌پردازند و با رسانه‌ای کردن بخشی از آن‌ها به صورت هدفمند، وجهه بشردوستانه‌ای نیز به خود می‌گیرند! اگر نظام سلطه و کشورهای همسو با آنان، از این طرح برای تأمین اهداف نامشروع خود بهره می‌برند، حکومت اسلامی با مجوز قرآنی: «الْمَوْلَفَهُ قُلُوبُهُمْ»، باید در راستای مصالح عمومی مسلمانان، منافع ملی و آرمان‌های ناب دینی، به بهترین شکلی از آن استفاده کند.

در روایات مربوط به سیره پیامبر (ص) در اعطای سهم تألیف قلوب، عبارتی وجود دارد که می‌تواند زوایایی دیگر از فلسفه این حکم را نشان دهد؛ فردی که گویا مشرک بوده و البته بهره‌ای از شعر و شاعری داشت، به سبب سهم اندکی که دریافت کرده بود، اشعاری را برای تهییج افکار



عمومی و لجن پراکنی سرود؛ در زمانی که زبان شعر، بسان رسانه‌ای تأثیرگذار، نقش مهمی در جهت‌دهی و انحراف افکار داشت. رسول خدا (ص) فرمود: «اذْهَبُوا فَاقْطَعُوا عَنِّي لِسَانَهُ» (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۸۰/۸) در پی آن، اموالی به او دادند تا راضی شد و دست از اقدام مخرب خود برداشت. این روایت نشان می‌دهد که حکومت اسلامی می‌تواند برای دفع شر رسانه‌های مخالف و جلوگیری از تشویش اذهان عمومی و بدبین کردن مردم به نظام و جامعه اسلامی، از ابزار مالی بهره گیرد.

دو. «ایجاد زمینه روحی» برای گرایش به اسلام؛ اگر ظواهر روایات پیش گفته، همچون: «لیرغبَ فی الدینِ فیتب علیهِ» و «لکی یحسن اسلامهم ویثبتوا علی دینهم الذی دَخَلُوا فیهِ» را در نظر گیریم، باید یکی از موارد هزینه‌کرد سهم «الْمَوْلَفَةُ قُلُوبُهُمْ» را تقویت دین و اعتقاد افراد بدانیم. در حالی که براساس آیات و روایات فراوان - که به برخی از آن‌ها اشاره گردید-، ایمان با انگیزه مادی هیچ ارزشی ندارد! در نتیجه، جامعه و حکومت اسلامی نباید برای کاری لغو و بی‌ارزش، بلکه مضر و زیانبار، سرمایه‌های بیت‌المال را هزینه کند! بنابراین، به فرض پذیرش این روایات، باید آن‌ها را بر ایجاد زمینه مساعد برای گرایش به اسلام یا تقویت اعتقادات افراد حمل کنیم؛ توضیح این‌که تبلیغ دین باید با دلایل و براهین عقلی، و نشان دادن محاسن معارف اسلامی در عرصه عقاید و اخلاق، و در زمینه قوانین و سیاست و اجتماع باشد تا افراد به فطرت و عقل خود، گرایشی ناب به آن پیدا کنند. لیک در این عرصه، می‌توان با ابزارهای مالی و مادی، «زمینه» پذیرش و رفع موانع را فراهم ساخت. بهره‌گیری از این ابزار را می‌توان بسان ابزار «خوش اخلاقی» دانست که چنین زمینه‌ای را فراهم می‌سازد: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ» (آل عمران/ ۱۵۹) بدیهی است خوش اخلاقی، تطمیع منفی به دینداری نیست، بلکه صرفاً زمینه جذب و گرایش افراد را فراهم می‌سازد.

از طرفی، فقر مالی و مشکلات اقتصادی، برای بسیاری از افراد عامل مهمی برای تزلزل عقاید و حتی آستانه کفر است! امام صادق به نقل از پیامبر می‌فرمایند: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۷/۲) نیز رسول خدا به زمامداران جامعه اسلامی چنین فرمان می‌دهد: «... و لَمْ يُفْقِرْهُمْ فَيُكْفِرْهُمْ...» (همان: ۱/ ۴۰۶) چرا که بسیاری از مردم، از بنیان‌های ایمانی و معرفتی استواری برخوردار نیستند. این مسأله در کنار ناتوانی فکری مناسب در تحلیل نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، آنان را وامی‌دارد تا رنج و محرومیت و مشکلات اقتصادی خود را به خدا و دین نسبت دهند و تا مرز کفر پیش روند، به ویژه هنگامی که با پندار «تقدیر الهی بودن فقر» خداوند را بانی ظلم به خویش انگارند!

در چنین شرایطی، کمک مالی می‌تواند «مانع» دینداری و «عامل» کفر را از میان بردارد و مجال اندیشیدن و ثبات قدم بر ایمان را فراهم سازد، چنان‌که ظاهر روایات پیش‌گفته نیز بر «ثابت ماندن در دین» تأکید داشت: «وَيَثْبُتُوا عَلَى دِينِهِمْ».

بنابراین، «تطمیع به دینداری» با ابزار مالی و بدون توجه به دلایل عقلی و براهین استوار و تقویت دانش و بینش افراد یک مسأله است، و کمک مالی برای رفع موانع دینداری، به‌ویژه برای افرادی که پیش‌تر وارد دین شده‌اند، مسأله‌ای دیگر.

یکی از مفسران معاصر، با بیانی دقیق، به تحلیل یاد شده اشاره کرده است: «آنان کسانی‌اند که نزدیک کردنشان به حال و هوای اسلام یا تثبیتشان در مواضع اسلامی مقصود است تا با حمایت مالی، احساسی صمیمی به اسلام و اهل آن پیدا کنند و در نتیجه، اهتمام آنان به اندیشیدن درباره اسلام و یادگیری احکام و شرایع آن افزایش یابد.» (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۴۳)

مفسری دیگر نیز در سخنی استوار گوید: مقصود، تألیف دل‌های فراری از اسلام به‌وسیله مال، و فریب دادن آنان با ابزار مالی بسان استشراف مسیحی نیست! بلکه مقصود، اعطای این سهم پس از ارائه توضیحات کامل و برهان‌های قاطع است. چه، ایمانی که با مال بیاید، با مال هم می‌رود! در واقع، سهم تألیف قلوب برای کسانی است که به لحاظ عقلی و عقیدتی، به اقتناع رسیده‌اند، ولی فقر مالی مانع ملحق شدن آنان به گروه مسلمانان یا موجب کُندی الحاق آنان شده است. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۳/۱۷۶-۱۷۷)

### نتیجه‌گیری

۱- مقاصد تشریح سهم تألیف قلوب در سخنان فقیهان و مفسران و محققان عبارتند از: متمایل کردن دلها به سوی اسلام، تثبیت مسلمانان ضعیف‌العقیده، متمایل کردن مرز نشینان برای دفع دشمنان و جلب حمایت افراد و گروه‌های مختلف در راستای منافع دینی و ملی. و یکی از مهم‌ترین ابزارهای قدرت نرم اسلام و حکومت اسلامی بشمار می‌آید.

۲- در تحلیل مقصود از «الْمُوَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ» دو مورد به نظر می‌رسد که موارد ذکر شده توسط فقیهان و مفسران و محققان، طبعاً بایستی بازگشت به این موارد داشته باشد تا شبهه پرداخت مال به هدف تطمیع مطرح نگردد؛ نخست جلب محبت به نفع اسلام و مسلمانان؛ یعنی حمایت مالی از افراد و گروه‌هایی که می‌توانند به نفع اسلام و جامعه اسلامی، اقدامی انجام دهند، خواه مسلمان باشند یا کافر. و دوم: «ایجاد زمینه روحی» برای گرایش به اسلام.

## منابع

قرآن کریم. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: بی‌نا.

ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). مسند الإمام أحمد بن حنبل، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام، چاپ دوم، قم: بی‌نا.

ابن قدامه، عبد الله بن أحمد (۱۳۸۸ق). المغنی، الطبعة الأولى، مكتبة القاهرة.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، چاپ سوم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.

اردبیلی، احمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.

ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). البرهان، چاپ اول، قم: مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه.

بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق). صحیح البخاری، چاپ دوم، قاهره: لجنة إحياء كتب السنة

ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث.

العریبجوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). تسنیم، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.

حلی، ابن ادريس (۱۴۱۰ق). محمد بن منصور بن احمد، السرائر، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق). المعبر، چاپ اول، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.

حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- حدیدی، حسین (۱۳۹۹). «تجلی قدرت نرم در دعا‌های صحیفه سجادیه»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام، چاپ پنجم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
- راوندی، سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۵ق). فقه القرآن، چاپ دوم، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق). المنار، چاپ اول، بیروت: دار المعرفة.
- رفیع، حسین؛ قربی، سید محمد جواد (۱۳۸۹). «کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن»، نشریه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۴۷.
- رئسی، مریم؛ نصراللهی کاسمانی، اکبر و خیامی، عبدالکریم (۱۴۰۱). «جایگاه بازدارندگی رسانه‌های در صدا و سیما و مولفه‌های قدرت نرم»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، زمستان، شماره ۴.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق). التفسیر المنیر، دار الفکر - سوریه - دمشق، چاپ دوم.
- زحیلی، وهبه (بی‌تا). الفقه الاسلامی وأدلته، الطبعه الرابعه، دمشق، دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف، چاپ سوم، بیروت، دار الكتاب العربی.
- سجادی، سید عبد القیوم (۱۳۷۹). «سیاست خارجی دولت اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام»، نشریه علوم سیاسی، شماره ۱۱، زمستان.
- سها (بی‌تا). نقد قرآن، بی‌جا.
- سلار دیلمی، حمزه بن عبد العزیز، (۱۴۰۴ق). المراسم، چاپ اول، قم: منشورات الحرمین شریعتی، روح الله (۱۳۹۳). قواعد فقه سیاسی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۲۲ق). المجازات النبویه، چاپ اول، قم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان، چاپ دوم، قم: فرهنگ اسلامی.
- ضابطپور، غلامرضا و قربی، محمدجواد (۱۳۹۰ق). «جستارهایی در باب قدرت نرم و ارائه راهبردهای مقابله برای ایران»، نشریه علوم سیاسی، بهار، شماره ۵۳.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵). ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ ۱.

طبرسی، فضل بن حسن (بی تا). ترجمه تفسیر مجمع البیان، فراهانی - ایران - تهران، چاپ ۱.

طوسی، محمد بن الحسن (الف) (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران.

طوسی، محمد بن الحسن (ب) (۱۴۹۷). الخلاف، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۰ق). النهایه، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العربی.

طوسی، محمد بن الحسن (بی تا). التبیان، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ق). الروضه البهیة، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

عراقی، آقا ضیاء الدین؛ علی کزازی (۱۴۱۴ق). شرح تبصره المتعلمین، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

عریضی، علی بن جعفر (۱۴۰۹ق). مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها - قم، چاپ اول.

عشریه، رحمان (۱۳۹۸). «مبانی قرآنی رابطه امنیت و دیپلماسی در فقه سیاسی با رویکرد به قاعده امان، تالیف قلوب و الزام»، نشریه حکومت اسلامی، پاییز، شماره ۹۳.

عکبری، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). المقنعه، چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی، چاپ اول، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

الغفیلی، عبدالله بن منصور (۱۴۳۰ق). نوازل الزکاة، الطبعة الاولى، ریاض: دار المیمان للنشر والتوزیع.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر، چاپ سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). معانی القرآن، چاپ دوم، قاهره: الهيئة المصریة العامه للکتاب.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.

فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن، دار الملائک - لبنان - بیروت، چاپ ۱.

فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). الوافی، چاپ اول، اصفهان.

قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸ق). محاسن التأویل، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون -

لبنان - بیروت، چاپ ۱.

- قرضاوی، یوسف (۱۳۹۳ق). فقه الزکاه، الطبعة الثانية، بی جا: موسسه الرساله.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ ۱.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی، چاپ سوم، قم: دار الکتاب.
- قنبری، کبری (۱۳۹۴). مفهوم شناسی قدرت نرم در اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، زمستان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، چاپ چهارم، تهران: الاسلامیه.
- لطفی، اسدالله (۱۳۹۳). «اصول و مبانی دینی حمایت از جنبش‌های آزادی بخش جهان با رویکردی بر آرای امام خمینی»، نشریه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۳۰۲، زمستان.
- مراغی، احمد مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی، دار الفکر - لبنان - بیروت، چاپ ۱.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). تاج العروس، چاپ اول، بیروت، دار الفکر.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق). فقه الإمام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، قم: مؤسسه انصاریان.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مهرنیا، حسینعلی (۱۳۹۹). «قدرت نرم و کارکرد سازمان ملل متحد در سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۲۲)، بهار و تابستان.
- نای، ژوزف و فاطمی نژاد، سید احمد (۱۳۸۸). «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم»، نشریه مطالعات عملیات روانی، زمستان، شماره ۲۴.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق). مستند الشیعه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ق). السنن الکبری، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). المغازی، چاپ سوم، بیروت: اعلمی.